



استاد مطهری، شهید مبارزه با التقاط و انحراف است

چیزی که استاد شهید مطهری و آثار فکری او را اهمیت مضاعف می بخشد، تلاش هوشمندانه و عمیق او در جهت التقاط شناسی و سپس افشای آن در جامعه اسلامی است.

چیزی که استاد شهید مطهری و آثار فکری او را اهمیت مضاعف می بخشد، تلاش هوشمندانه و عمیق او در جهت التقاط شناسی و سپس افشای آن در جامعه اسلامی است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر یادداشتی از حجت الاسلام رضا غلامی در مورد استاد شهید مطهری است که در ادامه می خوانید؛

دوازدهم اردیبهشت هر سال از دو جهت قابل عنایت است؛ از جهتی، سالگرد شهادت متفکر بزرگ استاد مطهری(ره) همچنان و علی رغم گذشت ۳۸ سال همچنان درد آور و حزن آمیز است. در واقع، از دست دادن آیت الله مطهری چنان ثلمه ای بر جامعه اسلامی وارد ساخت که هنوز این ثلمه جبران نشده و کاملاً محسوس است؛ و از جهت دیگر، این مناسبت که به درستی به روز استاد و معلم نام گرفته است، بیانگر ارزش وجود شخصیت بی نظیری چون استاد مطهری و یادآور حرکت فکری عظیمی است که از سوی این بزرگوار در ایران و جهان اسلام به راه افتاد و بخش مهمی از آثار آن را زنده، موثر و قابل بهره برداری نمود.

مهم این است که بدانیم، جامعه فکری ایران پس از شهادت استاد مطهری از حرکت باز نایستاد و با ملاحظه نیازهای گسترده تر و متنوع تری که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی پیش روی کشور و نظام اسلامی قرار گرفت، رشد کرد لکن نتوانست اتکای خود به افکار ناب و گره گشای شهید مطهری را مخفی نماید. امروز اندیشه شهید مطهری به خاطر مختصات بنیادی آن، یک دستگاه فکری برای محک و ارزیابی خلوص اندیشه هایی است که به دین نسبت داده می شود. در واقع، فهم عمیق افکار شهید مطهری این فرصت را به ما می دهد تا از روش شناسی لازم برای نسبت سنجی افکار نوظهور با گوهر و مغز اسلام برخوردار گردیم.

شاید جای باز کردن این مبحث در اینجا نباشد لکن نمی توان نقش فکر آزاد فلسفی و اعتقاد حقیقی به فقه جواهری و اجتهاد را در تبدیل افکار استاد مطهری به یک دستگاه سنجش گر منکر شد. البته روشن است که این سخن به منزله نقد ناپذیر بودن افکار استاد مطهری نیست ولیکن مهم ترین ویژگی اندیشه های شهید مطهری، تقرب روشمند او به گوهر اسلام، و گواهی صریح و منحصر بفرد بزرگانی چون امام راحل(ره) به این حقیقت آزمون شده می باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به طور طبیعی افکار متنوعی در مسیر استنباط و بازنمایی مفاهیم اسلامی قرار گرفت. برخی از این افکار، مولود جایگاه حقیقی خود یعنی حوزه های علمیه و برخی دیگر از این افکار، مولود تلاش های مشفقانه ای بود که بیرون از حوزه های علمیه اعم از دانشگاه ها و غیره تلقی می شد. آن دسته از افکار برآمده از حوزه های علمیه، هرچند مصونیت بالاتری نسبت به آسیب های فکری داشت لکن این مصونیت، مانع از ظهور اندیشه های غلط و التقاطی نشد.

از طرف دیگر، بخش مهمی از افکاری که بیرون از بطن حوزه های علمیه متولد شد، نه فقط از مصونیت بالایی نسبت به آسیب ها برخوردار نبود، بلکه با طمع ورزی جریان معارض اسلام، به جولانگاهی برای افکار التقاطی و مسموم مبدل گردید. البته در کنار افکاری که تلاش می کرد با انگیزه های دینی یا سیاسی، خود را در نسبت با اسلام هویت یابی کند، افکار دیگری هم به عنوان رقیب فکر اسلامی و از پایگاه سکولاریسم در برابر اندیشه ناب اسلامی صف آرایی نمود و از هیچ کوششی برای تضعیف فکر اسلامی دریغ نکرد؛ طبعاً کانون اصلی این افکار، غرب جدید بود که نه فقط با هیمنه فکری خود به جنگ با اسلام آمده بود، بلکه تلاش می کرد تا با به رخ کشیدن آنچه در عمل در تمدن غرب جدید پدید آمده است، خود را به تنها مسیر سعادتبخش برای انسان معاصر معرفی نماید.

همین امر نیز سبب شد تا بخشی از افکار شبه دینی، حیات و کارآمدی خود را در پیوند با ایسم های غربی و در رأس آن سوسیالیسم یا لیبرالیسم جستجو کنند. در چنین شرایطی، همواره ترسیم دستگاه سنجش تفکر اسلامی و ارزیابی میزان خلوص یا تقرب آن به گوهر تفکر اسلامی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است و چیزی که استاد شهید مطهری و آثار فکری او را اهمیت مضاعف می بخشد، تلاش هوشمندانه و عمیق او در جهت التقاط شناسی و سپس افشای آن

درواقع، استاد مطهری را باید پهلوان درک به موقع و ژرف انحرافات دینی اعم از درون زا و برون زا توصیف کرد که با گذشت چهار دهه از فقدان غم انگیز او، همچنان اندیشه های ایشان، مهم ترین مانع برای گسترش انحرافات فکری در جامعه اسلامی ما محسوب می شود. باید توجه نمود، اگر بخواهیم شئون فکری متنوع آیت الله مطهری را طبقه بندی نماییم، شأن اصلی او مقابله شجاعانه با التقاط و انحراف است که سرانجام در همین مسیر توسط گروهک ضاله فرقان ناجوانمردانه به شهادت رسید.

گروهک فرقان، از جمله همان گروه هایی بود که از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و خارج از بطن واقعی حوزه های علمیه مأموریت خود را در ارائه تصویر جدید و اجتماعی تر از اسلام تعریف کرد لکن به دلیل عدم اتکاء به مبانی اصیل فکر اسلامی، گرایش حریصانه به تفسیر به رأی، و مهم تر از همه، ضدیت توهم آمیز آنها با جریان فقه و اجتهاد- به مثابه تنها مسیر مشروع استنباطات دینی در عصر غیبت- به نقطه شوم و پلیدی رسید که ترور و حذف فیزیکی مردان رشید اسلام چون استاد مطهری، آیت الله مفتوح و غیره در کارنامه سیاه آن ثبت گردید.

ممکن است بعضی تصور کنند فاصله گروه های دیگر با گروهک ضاله فرقان زیاد می نماید لکن واقعیت این است که در طول چهل سال اخیر، فاصله برخی از گروه ها با گروهک ضاله فرقان، تنها به اندازه یک مو بوده است. البته این قاعده حتی در ارتباط با گروه های دین گرای لیبرال زده نیز صادق است و لیبرالیسم و شعار آزادی و ضدیت با خشونت مانع از سلوک تکفیری- داعشی این گروه ها در مواجهه با منتقدین خود نشده است.

هرچند حرف در این زمینه زیاد است لکن آنچه امروز به عنوان تداوم راه استاد مطهری ضروری می نماید، بسط دستگاه فکری شهید مطهری، اهتمام به تقویت بنیه فکری جوانان بر اساس این دستگاه و حساسیت ورزی مضاعف نسبت به حرکت های التقاطی و توهم آمیزی است که امروز امکان ظهور گروهک های شبیه گروهک ضاله فرقان را دور از ذهن نکرده است. برادران و خواهران ایمانی! افکار التقاطی که ریشه آن را باید در خودپرستی ها جستجو کرد، هرچند ارزشی بیش از علف هرز در گلزار اندیشه دینی ندارد لکن همین علف های هرز اگر به موقع از ریشه بیرون کشیده نشود و جلوی رویش مجدد آن گرفته نشود، گلزار اندیشه دینی را با پژمردگی و سپس خشکیدگی روبرو خواهد کرد؛ بنابراین، مراقبت هوشمندانه از اندیشه دینی و پاسخگویی عقلانی به نیازهای فکری نو ظهور، چیزی نیست که بتوان از کنار آن به سادگی گذشت.